

Ethics Considerations in Confrontation of Clergy with Emerging Spiritualities (Case Study: Paulo Coelho Movement)

Hamid Negaresh*, Ali Karshenas**

Abstract

Due to its social responsibility towards individuals in society, clergy should act as a wandering physician seeking out the social wounded and healing their spiritual pains. The main issue that led us to this research is the ethical confrontation of clergy with emerging spiritualities due to the specific characteristics of these spiritualities. Confronting these spiritualities has two dimensions: a religious issue and a social issue. The religious issue entails what approach should be taken by religious preachers in confronting individuals who are attracted to these groups. The social issue pertains to the fact that new religious and spiritual groups are not in line with the official culture of society, often leading to conflicts that are particularly evident within families. These conflicts and tensions sometimes escalate to the level of government institutions, official bodies, etc., and take on a security aspect. However, here our concept of harm is social harm, and by social harm, we mean social disorder and disruption in social relationships. The main question of this research is how should the ethical confrontations of clergy with emerging spiritualities (with an emphasis on the Paulo Coelho movement) be approached? The research method is descriptive-analytical and based on library sources, and the findings suggest that clergy should simultaneously employ both a positive and negative approach to confront emerging spiritualities. The positive ethical requirements of clergy in the face of emerging spiritualities, especially the Paulo Coelho movement, include: creating harmony between reason and faith; enhancing knowledge and awareness by presenting the nature of unity; tolerance; compassion and gentle speech with the wounded and kindness and compassion with the wounded. The negative ethical requirements of clergy in the face of emerging spiritualities include: prohibition of action without thought and good feeling without proper performance; avoidance of forgetfulness of the afterlife; avoidance of unjust blame and reproach; avoidance of contention and argumentation and avoidance of foul language and flattery.

Keywords

Clergy, Ethics, Spirituality, Emerging Spiritualities, Paulo Coelho.

*Associate Professor of Imam Sadegh Research Institute, Qom, Iran (Responsible author). h.negaresh@isri.ac.ir

** Assistant Professor of Imam Sadegh Research Institute, Qom, Iran. a.karshenas@isri.ac.ir



ملاحظات اخلاقی در مواجهه روحانیت با معنویت‌های نوظهور (مطالعه موردی: جریان پائولو کوئیلو)

حمید نگارش*، علی کارشناس**

چکیده

روحانیت به دلیل مسئولیت اجتماعی در قبال افراد جامعه باید چون طیبی دوّار به دنبال آسیب‌دیدگان اجتماعی بگردد و دردهای معنوی آنان را مداوا کند. مشکل اصلی که ما را به سوی این پژوهش سوق داد، چگونگی مواجهه اخلاقی روحانیت با معنویت‌های نوظهور به دلیل ویژگی‌های خاص این معنویت‌هاست. مواجهه با این معنویت‌ها دارای دو بعد است: مسئله دینی و مسئله اجتماعی؛ مسئله دینی به این معناست که به عنوان مبلغ دین چه رویکردی را در مواجهه با افرادی که جذب این گروه‌ها شده‌اند، در پیش گیریم؟ مسئله اجتماعی نیز ناظر به این است که گروه‌های نوپدید دینی و معنوی در راستای فرهنگ رسمی جامعه نیستند؛ از این رو، معمولاً تعارضاتی را ایجاد می‌کنند که به ویژه در خانواده‌ها نمود می‌یابد. این کشمکش‌ها و تعارضات گاهی حتی به سطح حکومت، نهادهای رسمی و... رسیده و جنبه امنیتی یافته است. اما در اینجا مقصود ما از آسیب، آسیب اجتماعی و مقصود از آسیب

*دانشیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

h.negaresh@isri.ac.ir

**استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، قم، ایران.

a.karshenas@isri.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲



اجتماعی، بی‌نظمی اجتماعی و اختلال در روابط اجتماعی است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مواجهات اخلاقی روحانیت با معنویت‌های نوظهور (با تأکید بر جریان پائولو کوئیلو) چگونه باید باشد؟ روش پژوهش، توصیفی تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای است و یافته پژوهش این است که روحانیت باید هم‌زمان از دو رویکرد ایجابی و سلبی برای مواجهه با معنویت‌های نوظهور بهره‌برداری کند. الزامات ایجابی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو عبارت است از: ایجاد آشتی میان خرد و ایمان؛ ارتقای معرفت و آگاهی با ارائه فطرت توحیدی؛ سعه صدر (شرح صدر)؛ ملاطفت و نرمی گفتار با آسیب‌دیدگان و ادب و مهربانی با آنان. الزامات سلبی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور عبارت است از: نهی از عمل منهای اندیشه و احساس خوب منهای عملکرد درست؛ نهی از فراموشی آخرت؛ دوری از ملامت و سرزنش بی‌جا؛ دوری از مرء و جدال و دوری از زشت‌گویی و تملق‌گویی.

کلیدواژه‌ها

روحانیت، اخلاق، معنویت، معنویت‌های نوظهور، پائولو کوئیلو.

مقدمه

در دین اسلام، امر تبلیغ به‌خصوص تبلیغ مجاهدانه برای تقویت رشد فکری آحاد مسلمانان از جایگاه والایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که اساسی‌ترین وظیفه انبیا در قرآن، تبلیغ دانسته شده است. مرحوم طبرسی در ذیل آیه **﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا﴾** (فصلت، ۳۳) می‌فرماید: «این آیه دلالت دارد که دعوت به سوی دین از بزرگ‌ترین عبادات و واجبات می‌باشد». همچنین در بعضی از تفاسیر آمده است: «آیه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که تمام منادیان توحید را که واجد این صفات می‌باشند، فرا می‌گیرد. هر چند برترین مصداقش شخص پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است».



و در درجه بعد ائمه معصومین و بعد از آن‌ها تمام علما و دانشمندان، مجاهدان راه حق، آمران به معروف به ناهیان از منکر و مبلغان اسلام از هر قشر و گروه است، این آیه بشارتی بزرگ و افتخاری بی‌نظیر است برای همه آن‌ها که می‌توانند به آن دل‌گرم باشند» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ص ۲۹۷).

انقلاب اسلامی، نقطه عطف بی‌مانندی در تاریخ حیات روحانیت است که بیش از هر چیز کارآمدی اجتماعی و سیاسی روحانیت را بر محوریت معارف و حیانی ارزیابی می‌کند. گزاره نیست اگر بگوییم در کشاکش و کوران مسئله کارآمدی سیاسی و اجتماعی روحانیت در بستر اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی، اخلاق اجتماعی روحانیت به مثابه تسهیل‌گر و شتاب‌دهنده بسیار اثربخش می‌تواند بر جهت‌گیری قضاوت‌ها و به‌بارنشستن سیاست‌ها، هم تهدیدگر و تخریب‌گر ظاهر شود و هم اعجاز‌آفرین و امیدبخش. شناخت دقیق‌تر و تبیین مسائل اخلاق اجتماعی روحانیت، شناخت ریشه‌ها و زمینه‌ها، علل و عوامل و آثار و تبعات این مسائل، دست‌مایه تبعات و تأملاتی گردید که اثر پیش‌رو را رقم زده است.

سیداکبر حسینی قلعه‌بهن در مقاله «اصول اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیون در آموزه‌های شیعی و آیین کاتولیک» (فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۷، ش ۴۴ (پیاپی ۶۶)، اسفند ۱۴۰۰، ص ۱۱-۴۴) معتقد است کنشگری اجتماعی در زمره فعالیت‌های اختیاری آدمی است که در قالب و چارچوب نظام اخلاقی واقع می‌شود و سمت‌وسویی مناسب به خود می‌گیرد. در تمام ادیان، روحانیون از جمله مهم‌ترین کنشگران اجتماعی هستند که فعالیت آنان نیز ضرورتاً باید در قالب اخلاقی دیده شود.

در این نوشتار، نخست، اصول و بایسته‌های اخلاقی کنشگری در دو مذهب کاتولیک در مسیحیت و شیعه در اسلام بررسی شده و سپس، با مقایسه آن اصول، به شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان نظر شده است. بایستگی شأن و ارزش انسان، رعایت خیر عمومی، بایستگی اخلاقی هم‌بستگی، گزینه ترجیحی فقرا، بایستگی مباشرت،



اصل مشارکت، اصل رعایت حقوق و مسئولیت‌ها، بایستگی عدالت اقتصادی و اصل لزوم ایجاد صلح در آیین کاتولیک، و اصول عدالت، امین‌بودن، تعاون، نیکوکاری، محبت و رأفت، امر به معروف و نهی از منکر، خیرخواهی و وفای به عهد در مذهب تشیع بررسی و تحلیل شده‌اند.

حسن بوسلیکی در مقاله «سواد اخلاقی روحانیت در تعاملات اجتماعی (ابعاد و ساختار)» (فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۷، ش ۴۴ (پیاپی ۶۶)، اسفند ۱۴۰۰، ص ۷۷-۱۱۲) معتقد است «اعتبار و حیثیت اجتماعی نهاد و سازمان روحانیت امروزه بیش از آنکه مرهون روایات مربوط به جایگاه عالمان دین یا حتی حالات معنوی ایشان باشد، مرهون نحوه حضور روحانیت در عرصه اجتماع است. اخلاق‌مداری در تعاملات اجتماعی، اصلی‌ترین سرمایه اجتماعی این نهاد است. در این نوشتار، به ابعاد و ساختار بخشی از این اخلاق‌مداری می‌پردازیم که به سواد اخلاقی شهرت دارد. برای این منظور، از مدل مفهومی هرمان و توآنا بهره برده‌ایم و با استفاده از معارف دینی و به یاری ملاحظات فلسفه اخلاقی و یافته‌های روان‌شناسی اخلاق، این مدل را توسعه داده‌ایم. در این مدل، سه مؤلفه «حساسیت اخلاقی، استدلال اخلاقی و تخیل» سازه سواد اخلاقی را تشکیل داده‌اند.

قبل از هر چیز، مؤلفه استدلال اخلاقی را به قضاوت اخلاقی تغییر داده و آنگاه لوازم مفهومی و روانی هر کدام از این مؤلفه و زیرمؤلفه‌هایشان را معرفی کرده‌ایم. نگاه بافت‌گروانه، خروج از خودمیان‌بینی، حساسیت فراموقعیتی و آشنایی با قواعد اخلاق، بخشی از لوازم یادشده‌اند. اصلی‌ترین توسعه مفهومی این مدل در بخش قضاوت اخلاقی است که از ماهیت عقلی و شناختی محض به سمت ترکیب شناخت-هیجان تغییر جهت داده است. این تغییر مفهومی بر همه ابعاد سواد اخلاقی تأثیر گذاشته و آن‌ها را غنا بخشیده است. این مدل می‌تواند کاستی‌های سواد اخلاقی روحانیت را در تعاملات اجتماعی نشان دهد و مبنای طراحی دوره‌های آموزشی یا بازبینی دروس اخلاق سطح یک حوزه علمیه قرار گیرد».



محمد همایونفر، در کتاب *تبیین چالش‌های اخلاق معاشرت روحانیت دربارهٔ «سلوک اجتماعی روحانیت و مواجهه با غیریت‌ها»*، رواداری در مواجهه با غیریت‌ها و مخالفان و مصادیقی ملموس از مواجهه با غیریت‌ها تبیین شده و متغیرهای مواجهه با مخالفان در سیرهٔ امام علی علیه السلام و ملاحظات و آسیب‌ها در مواجهه با غیریت‌ها (دوری از مظان اتهام و هن لباس روحانیت، نداشتن توان تخصصی و فرصت‌های موردنیاز و ایجاد حاشیه‌های خطر ساز و پرهزینه) به نگارش درآمده است.

۱. مفهوم معنویت‌های نوظهور

معنویت‌های نوظهور، جریان‌هایی مدعی رساندن بشر به عرفان هستند. رابطهٔ عرفان و معنویت، رابطهٔ عام و خاص مطلق است؛ به این معنا که هر آنچه عرفان است، می‌تواند معنویت باشد و در سطح بالایی از معنویت بنشیند، ولی هر آنچه معنویت است و هر موضوع و مبحثی که در معنویت می‌آید، لزوماً عرفان نیست و در قلمرو ادبیات عرفانی و قلمرو دانش عرفان موجود نمی‌گنجد، بلکه باید آن‌ها را عرفان منهای دین یا عرفان سکولار نامید (ر.ک: نگارش، ۱۳۹۷، ص ۱۹-۲۲). از جمله مصادیق معنویت‌های نوظهور، جریان پائولو کوئیلو است؛ این جریان با تأکید بر سحر و جادو و روح کیهانی، تصویری نادرست از خداوند متعال ارائه می‌کند و احساسات را جایگزین عقل و خرد قرار می‌دهد (ر.ک: مظاهری سیف، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳).

۲. چهارچوب نظری

دربارهٔ نحوهٔ مواجههٔ اخلاقی روحانیت با معنویت‌های نوظهور (به‌ویژه افراد گرفتار در جریان پائولو کوئیلو)، سه رویکرد عمده وجود دارد:



۲.۱. مواجههٔ دفاعی، غیرمشفقانه و غیراقتناعی

در این رویکرد نظری، فرد روحانی توقع را پس می‌زند و با کلام یا رفتار، نوعی از «به من ربطی ندارد» را تحویل فرد متوقع می‌دهد. این مواجهه البته در مواردی که با نیت سوءاستفاده و فرصت‌طلبی از جایگاه روحانیت انجام می‌گیرد، شاید مواجههٔ ناصوابی تلقی نشود، اما زمانی که توقع بی‌جا و نامطلوب براساس نگاه مثبت شکل گرفته باشد، چنین مواجهه‌ای به ایجاد تصویر منفی و تخریب سرمایهٔ اجتماعی روحانیت منجر می‌گردد و بهتر است اگر قرار است در جواب توقع، پاسخ منفی ارائه گردد با اقتناع و دلایل مشفقانه همراه باشد.

۲.۲. مواجههٔ تأییدی غیرمسئولانه و خطرناک

در نوع دوم، تأیید توقع بی‌جا و همراهی با آن، نوعی پاسخ انفعالی در برابر موقعیت، فشار و دیگر متغیرها تلقی می‌شود و ناصواب بودن آن آشکار است و دیگر انگیزه و خاستگاه توقع، اهمیت چندانی در ارزش‌گذاری مواجهه ندارد.

۲.۳. مواجههٔ ارشادگونه و طیبانه

در نوع سوم که گزینهٔ مختار این پژوهش است، روحانی، افراد گرفتار معنویت‌های نوظهور را ناآگاه از خطرات تلقی می‌کند و به حکم مسئولیت و براساس قاعدهٔ لزوم ارشاد جاهل، به راهنمایی و هدایت آنان همت می‌گمارد و مانند طیبی دوار درصدد رفع بیماری از پیکرهٔ وجودی آنان برمی‌آید.

۳. تحلیل اقشار آسیب‌پذیر در مقابل معنویت‌های نوظهور (پائولو کوئیلو)

مقولهٔ نخست، افرادی است که جذب این گروه‌ها به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو می‌شوند. در واقع عضوگیری این گروه‌ها بیشتر براساس شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی است؛ مانند افراد یک محله یا باشگاه ورزشی. در اینجا پنج عنصر مطرح





است: سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، جنسیت و سابقه دینی. کسانی که جذب این گروه‌ها می‌شوند معمولاً در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال قرار دارند.

عامل دوم، طبقه اجتماعی است؛ کسانی که روابط گرم و صمیمی در خانواده دارند، کمتر جذب این گروه‌ها می‌شوند یا در صورت جذب، زودتر بیرون می‌آیند. از سوی دیگر، کسانی که خانواده‌های فروپاشیده دارند، شغل ندارند و با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مختلف روبه‌رو هستند، بیشتر جذب این گروه‌ها می‌شوند. عامل سوم، تحصیلات است که در این زمینه نیز کسانی که به‌طور متوسط تحصیلات بیشتری دارند، جذب این گروه‌ها می‌شوند؛ چون این‌گونه افراد بیشتر و راحت‌تر با مطالب و مفاهیم جدید خو می‌گیرند و آمادگی ذهنی بیشتری دارند. البته تمام این‌ها براساس میانگین است و ممکن است موارد نقض نیز یافت شود.

عامل چهارم، طبقه اجتماعی است که تقریباً متناسب با سطح تحصیلات می‌باشد؛ یعنی کسانی که از طبقه متوسط و بالاتر هستند، جذب این گروه‌ها می‌شوند. جنسیت اعضا، عامل بعدی است که براساس آن، زن‌ها آمادگی بیشتری برای پیوستن به این گروه‌ها دارند؛ دلیل آن یا مشغله کمتر است و یا اینکه زن‌ها معمولاً بیشتر تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند و در این گروه‌ها نیز بر احساسات بیش از هر چیز تأکید می‌شود.

البته این دلایل، علمی نیست؛ حدسی است، به‌ویژه اینکه پس از شکل‌گیری گروه و گذشتن زمانی از عمر آن، معمولاً تعادل میان زن‌ها و مردها به هم می‌ریزد. عامل پنجم و نهایی، سابقه دینی است. کسانی که وارد عرفان حلقه و کیهانی می‌شوند، غالباً دو پیش‌زمینه شخصی داشته‌اند که ورودشان به گروه و بقا در آن را تسهیل کرده است: بیشتر دارای گرایش‌های دینی و معنوی (هرچند ضعیف) بوده‌اند؛ چون حرف‌هایی در این گروه زده می‌شود که به پیش‌زمینه دینی حداقلی نیاز دارد. اهل تعقل و منطق نبودند، بلکه بیشتر بر احساسات خود تکیه می‌کردند (ر.ک: نگارش، ۱۳۹۷، ص ۴۳-۴۶).

۴. واکنش جامعه در رویارویی با گروه‌های نوپدید دینی (جریان پائولو کوئیلو)

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود آن است که پاسخ اولیه نهاد‌های مختلف جامعه به این گروه‌ها (جریان پائولو کوئیلو) چیست؟ دین رسمی، رسانه‌ها، نهاد‌های اجتماعی و سازمان‌های داوطلبانه (سازمان‌هایی مردم‌نهاد که به وسیله خانواده‌های افرادی که جذب این گروه‌ها شده بودند در کشورهای غربی به وجود آمد) معمولاً در ابتدا واکنشی خصمانه در قبال این گروه‌ها داشته‌اند. کشورها و حکومت‌هایی که گرایش دینی و مذهبی دارند، رفتاری خصمانه با این گروه در پیش می‌گیرند؛ در جامعه ما نیز دین غالب (اسلام) با جریان‌های نوپدید معنوی مخالف بوده و در پی رفع این مشکل و ارشاد افراد است.

حکومت ما در این زمینه به‌طور مستقیم دخالت می‌کند و متأسفانه گاهی کار به واکنش‌های امنیتی منجر می‌شود که این واکنش‌ها اثربخش نیستند. بسیاری از روحانیون ما در این زمینه تحقیقات جدی ندارند و بیشتر به فقه یا کلام پرداخته‌اند؛ یعنی از تجربه و مطالعات آکادمیک بی‌بهره‌اند. البته به فرض اینکه تجربه آکادمیک نیز داشته باشند، در نهایت می‌توانند عقاید و ایده‌های گروه‌های نوپدید دینی را که در منابع آن‌ها یافت می‌شود، استخراج و تحلیل و اشکالات آن را نیز مشخص کنند؛ اما آیا آنچه در بیرون و در سطح جامعه رخ می‌دهد، تنها به همین افکار و ایده‌ها محدود است؟ حقیقت این است که آنچه در بیرون و سطح جامعه رخ می‌دهد به عوامل مختلفی وابسته است و از این رو، با ایده‌ها و افکار ارائه‌شده در منابع این گروه‌ها متفاوت است.

هرچند محقق اجتماعی می‌تواند از تخصص فیلسوف و متکلم در تحقیقات خود استفاده بهینه ببرد، اما در نهایت به یک پژوهش جامعه‌شناختی نیاز است. روش‌ها، پیامدهای کارشان و... چیزهایی است که در شناخت این گروه‌ها تأثیر دارد و این مسائل از حیطه تخصص روحانیون خارج است. منظور بنده این است که نمی‌توان افکار را صرفاً به پدیده‌های بیرونی نسبت داد و چه بسا بر اثر عوامل مختلف میان



آن‌ها تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. این نوع تحقیقات، مشکلات مختلفی دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در این‌گونه تحقیقات معمولاً قضاوت پیشینی درباره‌ی این معنویت‌هاست. تبیین غیرروشمند و استنتاجات شخصی و کتابخانه‌ای، یکی دیگر از مشکلات این نوع تحقیقات است؛ اما به این نکته توجه نمی‌شود که این‌ها فقط حدس است و به تأیید بیرونی و تجربه نیاز دارد تا درستی فهم ما را نشان دهد.

همچنین غالباً این‌گونه فرض می‌کنند که همه‌ی عرفان‌های نوظهور توسط نظام سلطه‌ی غرب ساخته و پشتیبانی می‌شوند. اشکالات دیگر عبارت‌اند از: اظهارنظرهای پیشینی درباره‌ی توانایی یا ناتوانی معنویت‌های جدید و نوظهور در پاسخ‌دهی به نیازهای مردم؛ نسبت‌دادن ضعف فکری به همه‌ی بنیان‌گذاران معنویت‌های نوظهور؛ بی‌توجهی به متغیرهای دیگر در برخی تحقیقات آماری؛ محدود کردن جامعه‌ی آماری در برخی از پژوهش‌های کیفی به مصاحبه با نخبگان.

بی‌توجهی به روش‌های جذب فرقه‌ها از جمله موضوعات مغفول در تحقیقات است؛ برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: جلسات پر جلوه و فشار روانی بر فرد، فشار بی‌وقفه و روحی بر فرد و بمباران عشق و محبت، گفتن دروغ‌های بزرگ، مسافرت اردویی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مریدان برای انتخاب زوج معرفتی (ر.ک: نگارش، ۱۳۹۷، ص ۱۶۵-۱۷۱). از منظر اخلاقی، به‌منظور مواجهه صحیح روحانیت با معنویت‌های نوظهور، اتخاذ الزامات ایجابی و سلبی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور ضرورت دارد.

۵. آسیب‌شناسی معنوی جریان پائولو کوئیلو

مضامین معنوی کتاب‌های کوئیلو عبارت‌اند از: پذیرش خدای خطاکار و منفعل، تقدس سحر و جادو و ارتباط‌دادن آیین‌های جنسی با معنویت و نیکبختی که همه از آیین کابالا (قبالا) که همان کیش رمزآلود و عرفانی یهود است، برآمده و کمترین



بهره‌ای از تعالی و حقیقت در آن یافت نمی‌شود. نکته این است که تبیین‌ها و تفسیرهای وی از هستی یا به خوش‌بینی غیرواقعی و افراطی منجر می‌شود یا به یأس و ناامیدی و خطاوار دیدن نظام حاکم بر هستی می‌انجامد. قهرمانان و شخصیت‌های اصلی داستان‌های وی، افراد بحران‌دیده و سرگردان‌اند که برای خروج از بحران، گلوگاه‌های زیادی را پشت‌سر می‌گذارند و در نهایت، به «دل‌سپردن به امیال درون و راضی‌بودن به خواهش‌های نفسانی» سرگرم می‌شوند و عمر خود را بدون آنکه به عاقبت آن بیندیشند و درباره‌ی غایت هستی کاوش کنند، به همین روال می‌گذرانند و «گذران زندگی به دور از استرس» را به‌عنوان مطلوب ذاتی برمی‌گزینند. کوئیلو تجربیات شخصی خود را به‌عنوان «طرح معنوی» و برنامه‌ی راهگشا برای مخاطبانش روایت کرده تا آن‌ها را در تجربیات خود سهیم کند و آن‌ها را به‌سمت همان افق سوق دهد (کوئیلو، ۱۳۸۴، ص ۷).

۶. الزامات ایجابی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور

الزامات ایجابی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو عبارت است از: ایجاد آشتی میان خرد و ایمان؛ ارتقای معرفت و آگاهی با ارائه‌ی فطرت توحیدی؛ سعه‌ی صدر (شرح صدر)؛ ملاحظت و نرمی گفتار با آسیب‌دیدگان و ادب و مهربانی با آنان که تبیین هر یک به شرح زیر است:

۶. ۱. ایجاد آشتی میان خرد و ایمان

در برابر افراد گرفتار در جریان پائولو کوئیلو، نقش روحانی مبلغ در ایجاد آشتی میان خرد و ایمان، نقشی اساسی است. ایمان از نظر پائولو کوئیلو، جنبه‌ی عقلانی ندارد و فقط امری احساسی است (کوئیلو، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲). پائولو کوئیلو، ایمان به الهه‌ای مؤنث را پیشنهاد می‌دهد و بر این اساس، خدای وی، سرچشمه و منبع عواطف و احساسات است و چهره‌ی عقلانی ندارد (کوئیلو، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱).



این درحالی است که روحانی مبلغ باید بکوشد عقلانیت و ایمان را به‌درستی به آسیب‌دیدگان این جریان نشان دهد و نقش مکمل آن دو را در وجود آدمی بنمایاند. اگر شخص ایمان بیاورد که خداوند از هر نقصی پاک و منزّه است و ایمان به وی دارای جنبه عقلانی و عملی است، با عمل به شریعت الهی، رفتار خویش را منطبق با خواست و اراده الهی می‌کند و اراده خویش را در مسیر اراده الهی قرار می‌دهد و روح و جان وی به تدریج الهی می‌گردد. در این صورت، با آشتی خرد و ایمان، در معنویت‌های نوظهور گرفتار نمی‌شود.

۶.۲. ارتقای معرفت و آگاهی با ارائه فطرت توحیدی

جریان پائولو کوئیلو به شناخت حقیقی انسان و فطرت توحیدی وی توجهی ندارد. وی برای جان‌های تشنه معنویت، دنیایی مشحون از توهم و تخیل را می‌گشاید و نیروهای جادویی را سبب شور و اشتیاق به زندگی معرفی می‌کند (ر.ک: کوئیلو، ۱۳۸۴ج، ص ۸۳).

این درحالی است که در معنویت اسلامی، روح و حقیقت انسان از خداست و باید به سوی او برگردد و راه بازگشت، درک عمیق حضور خداوند در وجود انسان و سراسر هستی است و فطرت به معنای نوع خاصی از آفرینش انسان است که خمیره وجود آدمی براساس آن سرشته شده است. فطرت توحیدی انسان به تجلی خداوند متعال با همه اسماء و صفات خویش در نهاد آدمی گرایش دارد؛ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند» (روم، ۳۰).



۶. ۵. سعه صدر (شرح صدر)

«شرح صدر» به معنای بسط و گشادگی سینه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ذیل «شرح»). حضرت موسی علیه السلام به عنوان یک مبلغ دین، هنگام رفتن به سوی فرعون زمان خویش، برای هدایت و آگاه کردن او، از پروردگارش سعه صدر و قدرت تحمل سختی‌ها را درخواست کرد. حضرت موسی علیه السلام، وقتی به دریافت رسالت خدا مفتخر گردید، احساس کرد برای ادامه راه به شرح صدر نیاز دارد؛ از این رو، از خدا چنین درخواست کرد: ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾؛ پروردگارا، سینه‌ام را فراخ فرمای و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشای تا سخنم را بفهمند» (طه، ۲۵-۲۸).

علامه طباطبایی می‌نویسد: «مقصود از شرح صدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فراخی سینه اوست؛ به گونه‌ای که از یک سو، وسعت و توان دریافت وحی و رسالت الهی را داشته باشد و از سوی دیگر، مصیبت‌ها، سختی‌ها و آزارها در راه خداوند متعال را تحمل فرماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ص ۵۳۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شرح صدر می‌فرماید: «نوری است که خدا در دل مؤمن می‌افکند و سینه‌اش را توسعه می‌دهد و باز می‌شود. پرسیدند: آیا نشانه‌ای دارد تا بدان شناسایی شود؟ فرمود: آری، بریدن از سرای نیرنگ، روی آوردن به سرای جاوید و آمادگی برای مرگ، پیش از فرود آن» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ص ۱۷۳). روحانی مبلغ باید در برابر افراد گرفتار در معنویت‌های نوظهور به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو، سعه صدر داشته باشد و با اختصاص وقت کافی به رفع شبهات عقیدتی و گره‌های آنان پردازد و با روش گام به گام، آنان را از وضعیت کنونی خارج سازد.

۶. ۶. ملاطفت و نرمی گفتار با آسیب‌دیدگان

ملاطفت با مخاطب و نرمی گفتار، در لغت عرب، با واژه «لین» مرادف است؛ واژه «لین» در زبان عربی، ضدخشونت و به معنای نرمی (نرم‌خویی) است (ابن‌منظور،



۱۴۱۴ق، ذیل «لین»). واژه لین در امور مادی و معنوی به کار می‌رود. از جمله کاربردهای این واژه در امور مادی، این آیه شریفه است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا... أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ﴾؛ و به‌راستی داود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم و آهن را برای او نرم گردانیدیم» (سبأ، ۱۰).

همچنین از جمله کاربردهای این واژه در امور معنوی این آیه است که خداوند می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِن حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾؛ پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه» (آل‌عمران، ۱۵۹). در اینجا مراد، نرمی گفتار است و اقتضای نرمی قلب، نرمی در سخن و عمل است.

سخن نرم، سخنی است که دارای چند ویژگی باشد؛ از جمله:

۱. با سلام آغاز گردد؛ چراکه سلام یکی از نام‌های خداست و نشانه سلامت و صلح با مخاطب است: ﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾؛ هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آن‌ها بگو: سلام بر شما» (انعام، ۵۴)؛

۲. دیگری را با القاب و عناوین نیکویی که مورد پسند و خوشایند اوست، مخاطب قرار دهیم؛ چنان‌که خداوند بیان می‌کند که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرعون را با عنوان فرعون مخاطب کرد؛ زیرا این عنوان را بسیار دوست می‌داشت: ﴿وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ أَنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ و موسی گفت: ای فرعون، من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم» (اعراف، ۱۰۴)؛

۳. ملاطفت: ملاطفت در کلام از دیگر ویژگی‌های سخن نرم و لین است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّيْنَا﴾؛ پس او (فرعون) را به‌سوی پروردگارتان با سخن نرم بخوانید» (طه، ۴۴)؛



۴. پاک و طیب: سخن نیک باید پاک و طیب نیز باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾؛ به سوی سخن طیب و پاک هدایت شده‌اند و به سوی راه پسندیده هدایت شده‌اند» (حج، ۲۴).

بنابراین، اگر مبلغ روحانی به جای سخن درشت و تند و خشن از سخن نرم بهره بگیرد، می‌تواند در جلب و جذب مردمان گرفتار در جریان پائولو کوئیلو تأثیرگذار باشد؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «قولوا للناس أحسن ما تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ؛ بهترین چیزی را که دوست دارید درباره شما بگویند، درباره مردم بگویید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ص ۱۵۲).

۶. ۷. ادب و مهربانی با آسیب‌دیدگان

ادب، در لغت به معنای تمرین دادن نفس، حسن خلق، راهنمای مردم به سوی کار پسندیده و بازدارنده آن‌ها از کار زشت آمده است و در اصطلاح، حفظ حد و اندازه هر چیزی و تجاوز نکردن از آن، ادب نامیده می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ذیل «ادب»).

ادب و مهربانی با مردم از لوازم تبلیغ جهادی است. خداوند متعال در قرآن کریم، علت موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در امر ابلاغ رسالت الهی، مهربانی و ملایمت ایشان می‌داند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ؛ پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه» (آل عمران، ۱۵۹). همچنین قرآن کریم درباره رحمت و مهربانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ او [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] با مؤمنان همواره مهربان بوده است» (احزاب، ۴۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «لَيْتُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَ وَ لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ؛ برای کسی که (علم و دانش) به او یاد می‌دهید و برای کسی که از او یاد می‌گیرید، نرمی و خوش‌خویی کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۶۲).



روحانی باید با متریان خویش که در جریان پائولو کوئیلو گرفتارند، مهربان باشد و ادب اجتماعی را رعایت کند و با مردم، با خلق و خوی خوش مواجه گردد.

۷. الزامات سلبی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور

الزامات سلبی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور عبارت است از: نهی از عمل منهای اندیشه و احساس خوب منهای عملکرد درست؛ نهی از فراموشی آخرت؛ دوری از ملامت و سرزنش بی‌جا؛ دوری از مرء و جدال و دوری از زشت‌گویی و تملق‌گویی که تبیین هریک به شرح زیر است:

۷.۱. نهی از عمل منهای اندیشه و احساس خوب منهای عملکرد درست

پائولو کوئیلو، عمل را جایگزین اندیشه می‌پندارد و تنها راه آموختن را عمل می‌داند؛ مقصود او از عمل، ورود به بحران و پذیرش شرایط دشوار است. همچنین او بر احساس خوب منهای عملکرد درست، تأکید دارد (کوئیلو، ۱۳۸۴ هـ، ص ۱۳؛ کوئیلو، ۱۳۸۵، ص ۲۵). درحالی که در آموزه‌های دینی و آیات قرآن کریم، ایمان و عمل صالح توأم ذکر شده است و اگر شخص از اندیشه در راستای تقویت ایمان بهره‌مند شود، ایمان و معرفت وی، اوج می‌گیرد. ایمان و عمل صالح مانند کلمه طیب‌ای است که با رفتار خوب به سوی خداوند بالا می‌رود: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد» (فاطر، ۱۰).

همچنین عملکرد درست، احساس خوب را در انسان ایجاد می‌کند؛ چنان که در میان افراد پایبند به دین مشاهده می‌شود، آنان که پایبندی بیشتر و عملکرد درست‌تری دارند، از احساس آرامش معنوی و روحی بیشتری برخوردارند.





۲.۷. دوری از ملامت و سرزنش بی جا

ملامت و سرزنش در لغت، به معنای بدگویی از کسی یا چیزی است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ذیل «لوم») و در اصطلاح، سخن توبیخ آمیز و بازخواست شخص در برابر لغزشی است که از وی سر زده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۴: ص ۴۳۱). ملامت و سرزنش به جا و به هنگام، برخلاف تحقیر، یکی از روش های مؤثر در تربیت است و از آن می توان به عنوان یک روش اصلاحی استفاده کرد. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «قَدْ يَنْجَعُ الْمَلَأْمُ؛ گاهی سرزنش، سودمند است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۴۰۹). این روش در صورتی آسیب زاست که در به کارگیری آن زیاده روی شود؛ زیرا زیاده روی در ملامت، سبب افزایش لجاجت فرد می گردد: «الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَأْمَةِ يُشِيبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ؛ زیاده روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را برافروزد» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۴۰۸). همچنین ملامت زیاد، سبب افزایش کینه میان مبلغ و متربی می شود: «لَا تَكْثِرَنَّ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغِينَةَ وَ يَدْعُو إِلَى الْبُغْضَاءِ وَ اسْتَعْتَبَ لِمَنْ رَجَوْتَ إِعْتَابِهِ؛ عتاب و سرزنش را بسیار مکن که کینه به بار آورد و به دشمنی انجامد. و رضایت و خشنودی بجوی از کسی که امید داری از تو درگذرد» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۵۸۴). روحانی مبلغ، افراد گرفتار در معنویت های نوظهور (به ویژه جریان پائولو کوئیلو) را ملامت و سرزنش نمی کند، بلکه با مهربانی و ادب، نقاط آسیب پذیر آنان را شناسایی می کند و سعی در برطرف کردن آسیب های اعتقادی و اندیشه ای آنان دارد و قدرت عقلانیت و اندیشه ورزی را در میان آسیب دیدگان جریان پائولو کوئیلو تقویت می کند.

۳.۷. دوری از مرء و جدال

واژه «جدال» از ریشه جدل و در لغت به معنای ستیزه جویی، سخت گیری در خصومت، شدت یافتن دشمنی و مقابله حجت با حجت است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ق،

ذیل «جدل» و در اصطلاح، بحث و گفت‌وگویی است که برای کوبیدن طرف مقابل و غالب شدن بر او صورت می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ذیل «جدل»).
مراء در لغت به معانی مختلفی چون گفت‌وگو، پیکار، خصومت، خرده‌گرفتن، جدال، خودنمایی، مجادله، منازعه، شک کردن، لجاجت و طعنه‌زدن در سخن کسی به قصد تضعیف سخن یا تحقیر گوینده آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل «مری») و در اصطلاح، ایراد و اعتراض به سخن دیگری و اظهار نقص و خلل در آن به قصد تحقیر و اهانت به وی است (جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰).

روحانی از جدال و مراء گریزان است؛ زیرا آن دو را مایه برانگیختن دشمنی و بغض و کینه می‌شمارد؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «سَبَبُ الشَّخْنَاءِ كَثْرَةُ الْمِرَاءِ؛ زیادی جدل و مراء باعث بغض و کینه است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ص ۱۲۲).
همچنین ایشان فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَ الْجِدَالَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الشَّكَّ فِي دِينِ اللَّهِ؛ بپرهیز از جدل، زیرا جدل موجب شک و تردید در دین خدا می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۱۳۹).

روحانی مبلّغ در رفتار با افراد گرفتار در معنویت‌های نوظهور (به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو) هرگز نباید دچار جدال و مراء گرفتار شود و همواره باید براساس منطق و بیان متقن سخن گوید.

۴.۷. دوری از زشت‌گویی و تملق‌گویی

از جمله سفارش‌های ائمه علیهم السلام به اصحاب خود در امر تبلیغ، به‌ویژه در تبلیغ زبانی، خودداری از به‌کارگیری واژه‌ها و تعابیر نامناسب است؛ به‌گزینی واژه‌ها برای انتقال مفاهیم از ضرورت‌های امر تبلیغ است که ائمه علیهم السلام بر آن تأکید داشتند.
امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «از به‌کارگیری کلمات زشت و مستهجن بپرهیز که زشت‌گویی فرومایگان را در اطرافت نگه داشته و افراد بزرگ و شریف را از گرد تو پراکنده می‌سازد» (واسعی و دیانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶). امام صادق علیه السلام نیز فرمود:





«احْفَظْ لِسَانَكَ عَنِ حَيْثِ الْكَلَامِ؛ زبان خود را از بیان کلمات زشت محافظت کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ص ۲۸۵). همچنین ایشان فرمود: «الْبِدَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ وَ الْجَفَاءُ فِي النَّارِ؛ بدزبانی از بی ادبی است و بی ادبی در آتش می باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۴۹).

امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به قنبر که می خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، ناسزا گوید، فرمود:

قنبر، آرام باش. دشنام گوی خود را خوار و سرشکسته بگذار تا خدای رحمان را خشنود و شیطان را ناخشنود کرده و دشمنت را کیفر داده باشی. قسم به خدایی که دانه را شکافت و موجودات را آفرید، مؤمن، پروردگار خود را با چیزی همانند بردباری خشنود نکرد و شیطان را با حربه ای چون خاموشی به خشم نیاورد و احمق را چیزی مانند سکوت در مقابل او کیفر نداد (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۱۱۸).

تملق نیز از ماده «ملق» است و در لغت، به معنای اظهار دوستی ظاهری و زبانی است و در اصطلاح، گفتاری نرم و لطیف است که در هواخواهی از دیگری آشکار می گردد؛ به گونه ای که شخص متملق، به باوری جز آنچه در باطن و قلب خویش دارد، تظاهر می کند (ر.ک: معلوف، ۱۳۸۷، ذیل «ملق»). تملق، نوعی نفاق یا دورویی به شمار می آید (معین، ۱۳۶۳، ذیل «تملق»).

امیر مؤمنان علیه السلام، مرز میان ستایش درست و نادرست را نمایانده و می فرماید: «النَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ؛ ستایش بیش از حد استحقاق و شایستگی فرد، تملق و چاپلوسی است و کمتر از آنچه سزاوار است یا ناشی از عجز تمجیدکننده است یا منشأ روانی آن، بیماری حسد است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷).

بنابراین، تعریف و تمجید بیش از حد و ستایش افرادی که شایستگی آن را ندارند، تملق گویی است؛ خداوند سبحان در آیه ۱۸۸ آل عمران به تملق دوستان وعده عذاب دردناک داده و می فرماید: ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْوَأَ وَ

يَجِبُونَ أَنْ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يُفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْتَهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛
گمان مبر آن‌ها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند، (بلکه) برای آن‌ها عذاب دردناکی است».

امیر مؤمنان عليه السلام هنگامی که عده‌ای در حضور امام او را ستودند، فرمود: «خدایا تو مرا بهتر از خودم می‌شناسی و من خود را بهتر از آنان می‌شناسم. خدایا ما را بهتر از آن چیزی قرار ده که آنان گمان می‌کنند و آنچه را هم که درباره ما نمی‌دانند بر ما ببخشی» (نهج البلاغه، حکمت ۹۶).

همچنین فرمود: «لَيْسَ الْمَلَكُ مِنْ خُلُقِ الْأَنْبِيَاءِ؛ چاپلوسی از خوی پیامبران نیست» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ص ۷۳ و ج ۷: ص ۳۶۶).

بنابراین، روحانی در رفتار با افراد گرفتار در معنویت‌های نوظهور (به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو) از زشت‌گویی و تملق‌به‌دور است و با صداقت و پاکی گفتار مردم را به صراط مستقیم الهی هدایت می‌کند.



نتیجه گیری

روحانیت به دلیل مسئولیت اجتماعی خویش در قبال افراد جامعه باید چون طبیعی دوّار به دنبال آسیب دیدگان اجتماعی بگردد و دردهای معنوی آنان را مداوا کند؛ مواجهه با این معنویت‌ها دارای دو بعد است: مسئله دینی و مسئله اجتماعی. مسئله دینی به این معناست که به عنوان مبلغ دین، چه رویکردی را در مواجهه با افرادی که جذب این گروه‌ها شده یا به آن‌ها تمایل یافته‌اند، در پیش گیریم؟ مسئله اجتماعی نیز ناظر به این است که گروه‌های نوپدید دینی و معنوی در راستای فرهنگ رسمی جامعه نیستند؛ از این رو، معمولاً تعارضاتی را ایجاد می‌کنند که به‌ویژه در خانواده‌ها نمود می‌یابد. این کشمکش‌ها و تعارض‌ها گاه حتی به سطح حکومت، نهادهای رسمی و... رسیده و جنبه امنیتی می‌یابد.

یافته پژوهش این است که پشتوانگی معنویت برای اخلاق در رفتارهای ظاهری و جوارحی هم معنی دارد. اگر التزامات اخلاقی مبتنی بر معنویت باشد، رفتارهای اخلاقی پایدارتر بوده و در بحران‌ها و شرایط مختلف می‌توان تصمیمات اخلاقی مناسب‌تر اتخاذ کرد و اگر پشتوانه معنوی ضعیف باشد، ممکن است اخلاق مادی گرایانه باشد و به تصمیمات نادرست بینجامد.

روحانیت باید هم‌زمان از دو رویکرد ایجابی و سلبی برای مواجهه با معنویت‌های نوظهور بهره‌برداری کند. الزامات ایجابی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور به‌ویژه جریان پائولو کوئیلو عبارت است از: ایجاد آشتی میان خرد و ایمان؛ ارتقای معرفت و آگاهی با ارائه فطرت توحیدی؛ سعه صدر (شرح صدر)؛ ملاطفت و نرمی گفتار با آسیب‌دیدگان و ادب و مهربانی با آنان، و الزامات سلبی اخلاقی روحانیت در برابر معنویت‌های نوظهور عبارت است از: نهی از عمل منهای اندیشه و احساس خوب منهای عملکرد درست؛ نهی از فراموشی آخرت؛ دوری از ملامت و سرزنش بی‌جا؛ دوری از مرء و جدال و دوری از زشت‌گویی و تملق‌گویی.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰)، کتاب التعریفات، تهران: ناصر خسرو.
۵. خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: مرتضوی.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسلامی.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تهران: هجرت.
۱۱. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴ الف) کیمیاگر، ترجمه آرش حجازی، تهران: کاروان.
۱۲. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴ ب)، والکری‌ها، ترجمه سوسن اردکانی، تهران: نگارستان کتاب.
۱۳. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴ ج)، بریدا، ترجمه آرش حجازی، تهران: کاروان.
۱۴. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴ د)، در ساحل رودخانه پیلرا، ترجمه آرش حجازی، تهران: کاروان.
۱۵. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۴ هـ)، کوه پنجم، ترجمه آرش حجازی، تهران: کاروان.
۱۶. کوئیلو، پائولو (۱۳۸۵)، زهیر، ترجمه آرش حجازی، تهران: کاروان.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۸. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹)، جریان‌شناسی انتقادی معنویت‌های نوظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. معلوف، لوئیس (۱۳۸۷)، المنجد، ترجمه محمد بندریبگی، تهران: اسلامی.
۲۰. معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
۲۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. نگارش، حمید (۱۳۹۷)، پندار معنویت (نقدی بر جنبش‌ها و فرقه‌های نوپدید)، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.
۲۴. واسعی، سیدعلیرضا و محمد شمس‌الدین دینانی (۱۳۸۶)، درآمدهای بر روش‌های تبلیغی ائمه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۹)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



References

۱. *Holy Quran*.
 ۲. *Nahj al-balagha*.
 ۳. Coelho, Paulo (۲۰۰۴A). *The Alchemist*. Translated by Arash Hijazi. Tehran: Karevan.
 ۴. Coelho, Paulo (۲۰۰۴B). *Valkyries*. Translated by Susan Ardakani. Tehran: Negaristan Kitab.
 ۵. Coelho, Paulo (۲۰۰۴C). *Brida*. Translated by Arash Hijazi. Tehran: Karevan.
 ۶. Coelho, Paulo (۲۰۰۴D). *on the shore of Piedra River*. Translated by Arash Hijazi. Tehran: Karevan.
 ۷. Coelho, Paulo (۲۰۰۴E). *Fifth Mountain*. Translated by Arash Hijazi. Tehran: Karevan.
 ۸. Coelho, Paulo (۲۰۱۶). *Zohair*. Translated by Arash Hijazi. Tehran: Carevan.
 ۹. Farahidi, Khalil bin Ahmad (۱۴۰۹ AH). *Kitab al-Ein*. Tehran: Hijrat.
 ۱۰. Hashemi Shahroudi, Seyyed Mahmoud (۲۰۰۹). *Fiqh Dictionary according to the religion of Ahl al-Bayt*. Qom: Institute of Islamic Jurisprudence on the religion of Ahl al-Bayt.
 ۱۱. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokaram (۱۴۱۴ AH). *Lesan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr le al-Tebaath va al-Nashr va al-Tawzi'ah.
 ۱۲. Jurjani, Ali bin Mohammad (۱۹۹۱). *Kitab al-Tarif*. Tehran: Naser Khosro.
 ۱۳. Khansari, Jamaluddin Mohammad (۱۹۸۷). *Sharh Ghorar al-Hekam va Dorar al-Kalem*. Tehran: Tehran University Press.
 ۱۴. Maalouf, Louis (۲۰۰۸). *al-Monjed*. translated by Mohammad Bandarbeigi. Tehran: Islami.
 ۱۵. Majlisi, Muhammad Baqir (۱۴۰۳ AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
 ۱۶. Makarem Shirazi, Nasser (۱۹۸۹). *Tafsir Nemoone*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
 ۱۷. Mazaheri Seif, Hamidreza (۲۰۰۹). *Critical Flowology of Emerging Spiritualities*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
 ۱۸. Mofid, Muhammad bin Muhammad (۱۴۱۳ AH), *al-amali*. Qom: Sheikh Mofid Congress.
 ۱۹. Moin, Mohammad (۱۹۸۴). *Persian Dictionary*. Tehran: Amirkabir.
 ۲۰. Nagaresh, Hamid (۲۰۱۷). *The Idea of Spirituality (Criticism of New Movements and Sects)*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences, Imam Sadiq.
 ۲۱. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (۱۹۹۶). *al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*. Tehran: Mortazavi.
 ۲۲. Tabarsi, Fazl bin Hasan (۱۹۹۳). *Majma al-Bayan*. Tehran: Nasser Khosro.
 ۲۳. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (۱۹۹۵). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islami.
 ۲۴. Tarihi, Fakhroddin (۱۹۹۶). *Majma al-Bahrein*. Tehran: al-Mortazawiat School.
- Vasei, Seyyed Alireza and Dayani, Mohammad Shamsuddin (۲۰۰۶). *An Introduction to the*